

تیتراژ امروز

دادستان تهران: پرونده های سیامک نمازی نزار زکا، هما هودفر و نازنین زاغری به دادگاه ارسال شد

کیفرخواست نفوذی ها

صفحه ۲

حداد عادل:

بادست و پا زدن مشکل فیش های نجومی حل نمی شود

صفحه ۲

فهرمانی تاریخی رونالدو و پرتغال در یورو

جام اشک در پاریس

صفحه ۱۴

انتقاد شدید بهمنی از بی احتیاطی دولت در رفتن زیر بار شروط بانکی غرب

تبعات «FATF» بسیار خطرناک است

صفحه ۱۶

رئیس کل بانک مرکزی: مدیریت صنعت پرنامه مشخصی ندارد

کشمکش سیف و نعمت زاده

صفحه ۱۶

روزنه

ریزش سرمایه اجتماعی؛ دستاورد تکنوکراسی تخیلی کارگزاران

امیر استکی

این تز که «باید مدیران را سیر نگه داشت» را حتما شنیده‌اید. گزاره‌ای که از بسیاری جهات درست است. هر کسی که از نظر مدیریت نامین نباشد و از نظر مدیریت فشار اقتصادی را بر کرده احساس کند، مستعد منحرف شدن است. حال این انحراف می‌تواند به شکل اهمیت ندادن به کار یا به شکل تلاش برای بهره‌برداری غیرمجاز از فرصت‌ها بروز نماید. تا اینجا کار به نظر نمی‌رسد کسی مخالف این باشد که کارکنان یک سازمان به شکل اعم و مدیران آن به شکل اخص، باید درآمدهایی مناسب داشته باشند اما همه مساله اینجا نیست که سطح مطلوبیت را چه عواملی تعیین می‌کند؟ چه چیزی استانداردهای سطح زندگی را تعیین می‌کند که در نتیجه آنها ما مبادرت به تعیین دستمزد برای یک مدیر بکنیم؛ به گونه‌ای که به اصطلاح وضیر باشد و فقط متمرکز بر کار خود؛ اگر استانداردها براساس دسترسی به خوراک و پوشاک با کیفیت، مسکن مناسب، تفریح و اوقات فراغت کافی، دسترسی به کتاب و اینترنت، بهترین خودروی تولید داخل، مسافرت در حد معمول داخلی و امکان مسافرت‌های خارجی زیارتی و تفریحی برای هر ۴ سال و به طور خلاصه وضعیتی کمی بالاتر از سطح متوسط زندگی ایرانیان تعریف شود، آنگاه به نظر نمی‌رسد با درآمد حداکثر ۷ برابر کمترین دستمزد برای مدیران مشکلی وجود داشته باشد.

مشکل آنجاست که این استانداردها براساس سطحی کمی بالاتر از ایرانیان ممنوع تعیین می‌شود. در اینجا نیست که با پدیده حقوق‌های نجومی مواجه می‌شویم. وقتی فرزندان بسیاری از کارگزاران و مدیران برای تحصیل به خارج ایران فرستاده می‌شوند و سوار ماشین‌های آنچنانی می‌شوند و مسافرت را فقط مسافرت به کشورهای اروپایی معنا می‌کنند و در مناطق بسیار گران تهران و در منازل باکیفیت و استانداردهای بسیار بالا زندگی می‌کنند، آن وقت ماهی ۸-۷ میلیون کفاف زندگی را نمی‌دهد. باید ماهی چندده میلیون عایدی داشته باشند. این نگاه به استانداردهای زندگی، معلول دوران سازندگی و یکی از دستاوردهای تکنوکراسی حمایت شده توسط هاشمی‌رفسنجانی است.

ادامه در صفحه ۵

گفت وگویی «وطن امروز» با حسن روح الامین پدیده این سال‌های نقاشی آیینی

فرهنگ حقوق بگیر دارد مسؤول ندارد

صفحه ۱۳



عکس: ابراهیم جعفری/وطن امروز

وقتی همه خواب بودند!

دکتر محمدرضا مهدیار اسماعیلی

اعتبار سنجی کند؟



آمریکا بودند مولتی میلیاردر شوند. اینها حرف‌های من نیستند! اینها مستندات دادگاه امریکاست! حالا بعد از چند سال که آنها از آسیاب افتاده ما داریم این شر خانمانسوز را برای خودمان درست می‌کنیم! آیا ما اصلا هیچ موسسه اعتبارسنجی معتبری برای بررسی اعتبار این اوراق جدید داریم؟

نرخ بسیار پریم مهم است که بدانم چطور یکباره بررسی رسانه‌های مدافع دولت درباره ریسک‌های احتمالی سرمایه‌گذاری در بازار رهن ثانویه مسکن نشان داد «مدل این بازار حاوی کمترین ریسک و بیشترین تضمین است»!

تحلیل من این است که انتشار این اوراق به علت پایان یافتن ظرفیت‌های تولید بدهی دولت در دیگر بخش‌های اقتصاد است! بدهی دولت به بانک مرکزی اکنون آنقدر بالااست که دیگر ظرفیت تولید بدهی در بانک پر شده است. کما اینکه وزیر معتمد اقتصاد نیز با اشاره به حجم بی‌سابقه بدهی‌های دولت اذعان داشتند «در حال حاضر با مشکل تنگنای مالی مواجه هستیم». اکنون این اوراق رهنی آمده‌اند تا مابقی فرآیند تولید بدهی را در بازار بورس دامن بزنند.

نرخ سود قابل توجه این اوراق و پایین بودن ریسک آن در واقع ضربه‌گیر کاهش سود بانکی است که بتازگی تصویب شده است. یعنی این اوراق آمده‌اند تا بسرای آنها بی که به خاطر کاهش سود بانکی میل پیدا می‌کنند که پولشان را از بانک خارج کنند، با درهای سود بیشتر در کنار ریسک بیشتر، آن عده را شکار کنند!

من تلاش کردم این موضوع بسیار مهم و فنی را به زبان ساده بنویسم لذا آن دسته از خوانندگان که بر موضوع تسلط دارند ممکن است این نقد در ذهن‌شان بیاید که نویسنده تفکیک بین اوراق قابل استرداد و غیرقابل استرداد را انجام نداد و حال آنکه بانک مسکن رسماً تعهد سود ۱۷.۵ درصد کرده است. این نقد وارد نیست، زیرا اگر به همین وضعی که جلوه داده شده است واقعه را نگاه کنیم و در واقع برای این اوراق ریسکی در نظر نگیریم عملاً به دستوری بودن مقدار سود آن گواهی داده‌ایم! اینکه دیگر اوراق رهنی نمی‌شود. این همان ننه است که امروز ما می‌صدایش می‌کنند!

این اوراق و گفته باشد این اوراق مانند اوراق رهنی آمریکا نیست اما اگر عمق این توجیه به زبان ساده روشن شود، این سخن همانقدر مستدل است که سخن مدیرعامل بانک صادرات! (آن هنگام که گفته بود اگر به خاطر حقوق نجومی برکنار ش کنیم، به بانک جهانی شکایت می‌کنند!

توجیه آقایان در دفاع از تفاوت این اوراق با آنچه در بحران ۲۰۰۸ دنیا را به عمق رکود کشاند، این است که آنچه در ایالات متحده موجب بحران شد وام‌هایی با بهره تغییرپذیر به «مشترک‌تری بدسابقه» بودا در حالی که اینجا وام‌های مسکن بسیار محافظه‌کارانه اعطا می‌شوند و تاکنون فقط به کسانی پرداخت شده که ۱۰ مدل ضامن آورده‌اند و حتماً قسط‌ها را پرداخت می‌کنند و لذا ریسک این اوراق بالا نیست. پاسخ و نقد روشن من به این استدلال این است: اگر بانک مسکن تا الان محافظه‌کارانه عمل کرده و به بدسابقه‌ها وام نداده، دقیقاً به‌خاطر عدم وجود اوراق رهنی بوده است. یعنی بانک می‌دانسته اگر پولش وصول نشود فقط خودش ضرر می‌کند و پای مردم در بورس در میان نیست. طبیعی است وقتی ضرر بیفتد بر عهده خریداران اوراق، بانک نیز مسامحه بیشتری می‌کند!

توجه کنید: توجه کنید! الانش که هزینه‌ها و خسارت‌هایی که بانک‌ها متحمل می‌شوند، بر عهده مردم نیست و ضرر فقط از جیب بانک می‌رود، یکباره خبر می‌رسد آقای مدیرعامل و شرکا، حقوق ۲۰ ماه را در یک ماه گرفته‌اند! الان که ریسک وام بر عهده خود بانک است، یکباره خبر می‌رسد آقای همان بانک سپرده‌گذاری ۲۴ درصد کرده است! وای بر روزی که ریسک این وام‌ها بیفتد بر دوش مردم! علاوه بر این ما یک تفاوت بسیار مهم دیگر نیز با آمریکا داریم و آن اینکه در آنجا موسسات اعتبارسنجی بین‌المللی مستقل و بسیار فاضولی هستند که بدون ملاحظه شفافیت بانک‌ها را چک می‌کنند و از صفر تا ۱۰۰ نمره می‌دهند و این نمره‌ها را منتشر می‌کنند! اگر بانک‌های ما پروند زیر استانداردهای آن موسسات، اصلاً بیرون نمی‌آیند! در همان آمریکا که این قبیل موسسات معروف اعتبارسنجی پای این اوراق را مهر زده بودند، آن فساد عظیم به پا و معلوم شد همان موسسات رشوه می‌گرفتند تا دروغی به این اوراق پرخهر نمره ۱۰۰- یا به قول خودشان AAA- بدهند! ما که اینجا اصلاً موسسه مستقل اعتبارسنجی نداریم چه؟! نکنند قرار است خود بانک بیاید و خودش را

یادداشت امروز

با من سخن بگو گوهرشاد

تور آتاتورک!

حسین قدیانی



لعنت خدا بر آن «میرینج» که خیال می‌کرداگر نام خانوادگی خود را به «پهلوی» تغییر دهد باکلاس می‌شود! مثلاً یک سفر رفت به یکی از این کشورهای همسایه که این روزها هیچ اوضاع امن و امنی ندارد! من حالا اسمش را نبرم! الغرض! رهاورد شوم آن سفر شد «کشف حجاب»! باور نمی‌کنم هیچ مسافری بدین سیاهی ارمانی آورده باشد که آن قلدر برای مردم سرزمین خود آورد چه تلخ است طعم بعضی از این روزهای سررسید! این خاطره‌ها را صاحب‌نفسی باید برای ما بنویسد! مادر بزرگ نباید از خانه بیرون می‌رفت، چون رضخان قزاق توهم زده بود که دین مانع پیشرفت است! و حجاب مانع پیشرفت زن! بربریت پهلوی! بدتر از جاهلیت قاجاری! واقعا چه کسانی بر ما حکومت می‌کردند؟! و ما به چه کسانی باید «شاه» می‌گفتیم؟! مردک، چیز یاد گرفته بود! کاش اما این فقط یک توهمی بود در فلان گوشه از مغزش! آنجا که مادر بزرگ وقتی به سبب کاری، مجبور می‌شد از خانه بیرون بیاید، عمال او چادرش را می‌کشیدند و حتی بدتر، کنکش می‌زدند! به همین راحتی! اما نه به همین راحتی! جنگ بود! جهانی‌ترین جنگ همه تاریخ! که هنوز هم ادامه دارد! و هنوز هم زن، بزرگ‌ترین قربانی این جنگ است! و هنوز هم درد می‌کند بر چادر عزیزان! چه سفر بدی بود آن سفر! چه رنج میرینج برای زنان این دیار رقم زد! جنگ قنقار وحشی اسلحه با پهلوی تحیف مادر بزرگ! چه جنگ نابرابری! سایه جگمه بر سر چادر! قحطی غیرت! جولان قلدری! زن اگر می‌خواهد در جامعه باشد، باید حجاب نداشته باشد! عصر پستوتشینی بانوان! دوره‌ای که غفاف و زن، هر دو با هم لکنت زبان گرفتند! زامنه کشف حجاب! حوای آدم کجا بود؟! بنی‌آدم به کجا می‌رفت؟! مادری اگر می‌خواست بجای به دنیا بیآورد، باید چادرش را برمی‌داشت! این یک دستتور بود! برمی‌داشتند! تنک می‌زدند! فرعون لاقل کاری با آسیه محجبه نداشت! چه شاه بدی بود رضخان! چه سفر بدی بود آن سفر! چه رنج دورانی برده‌ایم ما! با من سخن بگو گوهرشاد! یکی باید این روضه ۲ کلمه‌ای کشف حجاب را باز کند! شاهی که دشمن حجاب زنان سرزمین خود بود! و به جرم حجاب، مادران ایرانی ما را تنک می‌زد! می‌کشت! «خون دل‌ها خوردند!» مال همین فراز از تاریخ است! آتاتورک! این حجاب ممنوع، چون عالی‌حضرت به فلان جا سفر کرده و باید زنان محجبه سرکوب شوند! سرکوب شوند، چون عالی‌جناب از فلان جا برگشته‌اند! با من سخن بگو گوهرشاد! از زخم‌هایی که خوردند! از زخم‌هایی که هنوز جایش بر در و دیوار مسجد هست! از دیروز! از سالروز کشف حجاب! کشف حجاب! آن! این ۲ کلمه بیانگر سطح ماجرا هم نیست! چادر! یکی باید این روضه را باز کند! همان چادری که ایام کودکی، تکیه درست می‌کردیم! راستی که با چادر مادران مان، چه راحت و جمع و جور، هیأت می‌زدیم! زمان آن ملعون اما چادر جرم بود! و حجاب جرم بود! و هیأت جرم بود! تکیه جرم بود! و «یا زینب» را باید آنقدر آرام می‌گفتی و آنقدر به تنهایی، که صدای هیچ شاهی در نیاید! هیچ شاه پدری و هیچ شاه پسر! با من سخن بگو گوهرشاد! می‌ترسم تاریخ را فراموش کنیم! تیر ۱۳۱۴! تیرباران مردم! مردم معترض به کشف حجاب! سرکوب خونین! آنهم در جوار حرم امام رضا علیه‌السلام! ۸۰ سال پیش! ۲۰ سال کمتر از یک قرن! باید یادت بیاید مادر بزرگ! خیلی دور نیست عصر تاریک به خاک و خون نشاندن چادر! نبرد نابرابر گلوه و گل‌های سرخ چادر عزیز! خون دل چادر نماز! حکومتی که برای زن، حق همسری آدم قاتل نبود! با من سخن بگو گوهرشاد!

آگهی مناقصه شماره: ۸۲۲ نوبت اول

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب و آبگرمایش استان ایلام
شرح در صفحه ۵

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

www.vatanemrooz.ir